



آموزش منظر در مدرسه معماری: لحظه‌هایی از یک نوآوری

پندبشت ویر، استاد طراحی نظری و عملی معماری و شهرسازی، رئیس شورای اداری مدرسه ملی عالی معماری لاولت پاریس
bendicht.weber@orange.fr

● تصمیم‌گیری برای پذیرش برگزاری همایش «منظر و ذهنیت» بی‌دغدغه بود. سنت طولانی این رشته در مدرسه معماری لاولت و وجود گروه آموزش و پژوهش شناخته شده آن، هر تردیدی را غیرضروری می‌دانست. گفت‌وگوها در باب همایش، حاکی از وجود نوعی آگاهی از پارادایم‌هایی جدید برای پذیرایی از حوزه منظر، از آموزش گرفته تا پژوهش، در محیط آموزش معماری بود^۱. در این نوشتار سعی بر آن دارم تا چند گوشه از مباحث موجود را گرد هم آورم. امروزه منظر برخلاف دو دهه پیش، به نظر می‌رسد جایگاه بنیادین یک پروژه ساماندهی و طراحی را دارا باشد. هیچ محکی نیست که هر نوع مداخله در فضا - معمارانه، شهرسازانه، منظرین و حتی کشاورزی و مهندسی - منظر را که شامل عناصر انکارناپذیر است، دستخوش تغییر می‌کند. این منظر حاوی مداخلات پیشین نیز هست: تاریخ انسانی ثبت‌شده در یک قلمرو. مفهوم منظر برای تبیین چنین بستر تاریخمندی به شایستگی تعریف شده است. اما باید بدانیم که این مفهوم در خطر بی‌معنایی و سطحی‌نگری (مانند چمدانی که هر چیز بی‌ربطی را در خود حمل می‌کند) و بدتر از آن، سوءاستفاده برای بیان معانی دیگر نیز قرار دارد. گروهی از معماران معاصر دچار افسون زیباشناسانه گیاهی برای ساختمانی مستتر در بوته‌زار سبز شده‌اند. این حرفه‌مندان اغلب نمی‌بینند که پیشنهاداتشان چطور از ایده حرفه‌ای منحرف می‌شود. جای مهمی که منظر در پروژه‌های شهری اشغال می‌کند، به سختی اهداف کم‌وبیش مشخص شده «لطافت‌بخشی»، «زیباسازی» و «سبز کردن» (green-washing) را می‌پذیرد

and in varying degrees, by complex interactions and continually renewed, based on spaces with multiple availability.

Learning the architectural and urban design based on an understanding of the landscape in all its complexity can not only train students to an ability to overcome the impact of past fragmentation, but also allows them to work for the preservation and enhancement of existing cash in their expansion and their intensification and acquiring awareness of the interactions between different spatial scales, the edge of a building to the configuration of a metropolitan area through public spaces and neighborhood space systems undeveloped structuring of entire cities. Learning cognitive sequences that link these different scales turns out affect any fundamental, conceptual and creative work on space effect. Teaching landscape contributes undoubtedly.

Long, and with increasing intensity, ENSA Paris-la-Villette is interested in the social production of the living and the landscape as a public good which it is to take care when working. It now intends to contribute to the renewal approaches, the analysis and the project areas of daily life for a majority of people-citizens: public spaces, habitats, workplaces, etc.

By increased mobility and new means of communication and informa-

tériser, à différentes échelles et à des degrés variés, par des interactions complexes et continuellement renouvelées, fondées sur des espaces offrant des disponibilités multiples.

Un apprentissage du projet architectural et urbain fondé sur une compréhension du paysage dans sa complexité peut non seulement former les étudiants à une aptitude de dépasser l'impact des fragmentations passées, mais aussi leur permettre de travailler à la préservation et à la valorisation des disponibilités existantes, à leur élargissement et à leur intensification. La prise de conscience des interactions entre les différentes échelles spatiales, des abords d'un édifice à la configuration d'une région métropolitaine en passant par les espaces publics de quartier et les systèmes d'espaces non bâtis qui structurent des villes entières. L'apprentissage de séquences cognitives qui mettent en relation ces échelles différentes s'avère en effet fondamental à tout travail conceptuel et créatif portant sur l'espace. L'enseignement du paysage y contribue indiscutablement.

De longue date, et avec une intensité croissante, l'ENSA de Paris-la-Villette s'intéresse à la production sociale du cadre de vie, et au paysage comme un bien public dont il s'agit de prendre soin lors de toute interven-

tion, the city is now a part of a living space that now seems necessary to understand how a blend of different types of landscapes. Understanding of the historicity of these - as well as incessant transformations progressive stratification - seems to be indispensable to search for alternative forms of urban and regional development. The diachronic landscape highlights a history of recycling, which in turn, we are testing our own intelligence to give new meaning to what is already there.

Endnote

1. ENSA Paris-la-Villette hosted a long-standing teaching and research "landscape" which it must emerge Bernard Lassus pole. The continuity of the corresponding research team - "Architecture, Backgrounds, Scenics," directed by Yann Nussaume Arnaud Laffage and Philippe Nys, heiress of "Gardens, Landscapes, Territories," founded in 1994 by Bernard Lassus - is now assured.

tion. Elle entend aujourd'hui contribuer au renouvellement des approches, par l'analyse et par le projet, des espaces de vie quotidienne destinés à une majorité des habitants-citoyens : espaces publics, habitats, lieux de travail, etc. Par les mobilités accrues et les nouveaux moyens de communication et d'information, la ville ne constituent désormais qu'une partie d'un espace de vie qu'il semble désormais nécessaire de comprendre comme un assemblage de différents types de paysages. La compréhension de l'historicité de ces derniers - transformations incessantes autant que stratifications progressives - semble devenir indispensable à une recherche de formes alternatives de développement urbains et territoriaux. La lecture diachronique des paysages met en lumière une histoire de recyclages qui, en retour, nous mettent à l'épreuve de notre propre intelligence à donner un sens nouveau à ce qui est déjà là.

Note de fin

1. L'ENSA de Paris-la-Villette a accueilli de longue date un pôle d'enseignement et de recherche « paysage » dont elle doit l'émergence à Bernard Lassus. La continuité de l'équipe de recherche correspondante - « Architecture, Milieux, Paysages » dirigée par Yann Nussaume, Arnaud Laffage et Philippe Nys, héritière de « Jardins, Paysages, Territoires » fondée en 1994 par Bernard Lassus - est aujourd'hui assurée.

مفهوم منظر در مدرسه معماری، ورود به تحلیل فضاهای مسکونی نیز محسوب می‌شود. فراگیری مشاهده و تحلیل منظر توسط دانشجویان، آنها را در ابتدا ملزم به شناسایی کیفیت‌های حساس، فضایی و مادی آن منظر می‌کند. در قدم بعدی، درک تعدد تعاملات منظر و ویژگی‌های محیط مسکون، همچنین شکوفایی آن برای دانشجویان بسیار آموزنده است. این تحلیل به آنها امکان کشف همبستگی‌ها و چالش‌های منظر مسکون را می‌دهد.

منظر به مثابه فضای مسکون علی‌رغم تحمل زخم‌های متعدد، گویی نسبتاً توانسته با بورش رویکردهای عملکردگرا و برنامه‌محور به وجود آورنده کلیت‌های صلب و کنار هم چیده شده مقابله کند.

فراگیری درک معمارانه و شهری مبتنی بر منظر و پیچیدگی آن، نه تنها می‌تواند دانشجویان را به فراتر رفتن از آشفتگی‌های گذشته سوق می‌دهد، بلکه برای آنها امکان درک و ارزش‌دهی به مکان‌های موجود و توسعه آنها را فراهم می‌آورد. آگاهی از تعامل میان مقیاس‌های فضایی مختلف - از حاشیه یک ساختمان تا یک منطقه شهری - با در نظر گرفتن فضاهای عمومی محله‌ای، سیستم فضاهای ساخته نشده که ساختار شهر را تشکیل می‌دهند و فراگیری سکانس‌های شناختی که مقیاس‌های مختلف را پیوند می‌دهند در هر مداخله مفهومی (کانسپچوال) و خلاقانه فضا الزامی است. آموزش منظر، قطعاً راهنمای بلامنازع آن است.

مدرسه عالی معماری لاولیت پاریس طی مدت طولانی و با پیشرفتی فزاینده به تولید

که بسیار از منظر مسکون و مصنوع دور هستند. مفهوم منظر در دوره‌هایی برای «مقبول واقع شدن» طرح‌های خود، به ناچار نگاه ابزاری مباحث جاری «پایداری» و «کولوژی» را به خود تحمیل می‌کند؛ مباحثی که بسیار از اولویت‌های حقیقی منظر فاصله دارند. آموزش منظر می‌بایست برای دانشجویان معماری این بستر را فراهم آورد که نقطه نظری انتقادی بر این تمایلات در حال گسترش پیدا کنند.

گروه دیگری از معماران، با هدف مدیریت بهینه آب و اقلیم، گیاه را در بخش‌های مختلف بنا از جمله بام، نما و پای ساختمان تعبیه می‌کنند. این ایدئولوژی علمی و فنی، نگاهی تمام و کمال ابزاری را به گیاه روا داشته و آن را به مثابه یکی از مصالح در دسترس معمار تلقی می‌کند. اینجا نیز، در بعدی دیگر، آموزش منظر با اتخاذ نگاهی منتقدانه به این نگرش، بر ارزش غیرمادی گیاه در منظر تأکید می‌کند.

این پارادایم‌های نوین آموزش منظر در مدرسه معماری اگر حاکی از رکود و سکون ایدئولوژیک باشند، ما را به سؤالات پیشرویی ارجاع می‌دهند که منجر به قرارگیری آموزش منظر در مدارس معماری شده است. این امر، موجب توسعه و شکوفایی آگاهی از بستر تاریخی، جغرافیایی، طبیعی، فرهنگی و زمینه‌ای دانشجویان می‌شود؛ بستری که ویژگی آن جنبش‌های پویا و تعاملات پیچیده است. سهم این آموزش، معماران آینده را در قبال اهمیت مواجهه به بستر متحرک و پیچیده منظر در ایده‌پردازی، طراحی و اجرای پروژه‌هایشان، آگاه می‌سازد.

often perceive only marginally how their proposals can be diverted. The major role is now made to the question of landscape in urban projects, barely conceals goals, more or less avowed, to "soften" to "beautify" and "green" (as defined the "green-washing") operations that are far from any consideration for a lived and produced by man landscape. The notion of landscape is exploited to make "acceptable", and in accordance with the dominant discourse, "sustainable" and "green" amenities that actually pursue other priorities. Teaching landscape must allow architecture students to form a critical perspective on these trends and make them more widespread.

Other architects integrate the plant - the roof, as well as front foot building - with the conviction to contribute to a better water management and climate. Here we see the return of a scientific and technocratic ideology that places the plant in the category of materials available. The landscape education is therefore, fostering a second of critical distance, insist architecture students on non-material values that is attached to plant and landscape.

These new challenges for teaching at landscape architecture school show effects modes and ideological inertia, we refer to the pioneering

tions qui sont loin de toute considération pour un paysage habité et produit par l'homme. La notion de paysage se trouve instrumentalisée pour rendre « acceptable », et en accord avec les discours dominants, « durable » et « écologique », des aménagements qui poursuivent en réalité des priorités toutes autres. L'enseignement du paysage doit donc permettre aux étudiants en architecture de se forger un point de vue critique sur ces tendances actuelles et de plus en plus répandues.

D'autres architectes intègrent le végétal - en toiture, en façade aussi bien qu'en pied d'édifice - avec la conviction de contribuer ainsi à une meilleure gestion de l'eau et du climat. Nous observons ici les retours d'une idéologie scientifique et techniciste qui inscrit le végétal dans la catégorie des matériaux disponibles. L'enseignement du paysage doit donc, en favorisant une deuxième prise de distance critique, insister auprès des étudiants en architecture sur les valeurs non matérielles qui s'attachent au végétal et au paysage.

Ces nouveaux enjeux pour l'enseignement du paysage en école d'architecture, s'ils témoignent d'effets de modes et d'inerties idéologiques, nous renvoient aux questions pionnières, et fondamentales, qui ont conduit certaines écoles d'architecture à introduire ce thème.

issues and fundamental, which have led some schools of architecture to introduce this theme. The teaching of landscape architecture school continues to promote and develop the awareness of historical, geographical, natural, cultural and other context among students - which is characterized by dynamic and specific processing by a complex interaction. The contribution of this teaching aware future architects of the importance - when plan, create and design - of a confrontation with the changing and complex environment.

The notion of landscape is revealed in architecture school also as an introduction to a major teaching on the living space. Teaching students to observe and analyze a landscape leads to recognizing not only sensitive, spatial and material qualities, but also differentiated and specific. This approach also allows them to understand the game of multiple interactions that characterize the whole landscape when it is inhabited, and deployment time. It allows them to explore synergies as well as to study conflicts.

Although landscape has many scars on the landscape as living space seems to have generally resisted the onslaught of functional specialization of space, as well as ideas of programming entities juxtaposed and fixed. The landscape continues to be characterized at different scales

L'enseignement du paysage en école d'architecture continue à favoriser et développer auprès des étudiants la conscience d'un contexte - historique, géographique, naturel, culturel, etc. - qui se caractérise par des dynamiques de transformation propres et par une grande complexité d'interactions. L'apport de cet enseignement sensibilise les futurs architectes à l'importance - lorsqu'ils projettent, créent, conçoivent - d'une confrontation avec ce contexte mouvant et complexe.

La notion de paysage s'est révélé en école d'architecture aussi comme une entrée en matière majeure d'un enseignement portant sur l'espace habité. Apprendre aux étudiants à observer et à analyser un paysage les conduit à y reconnaître non seulement des qualités sensibles, spatiales et matérielles, différenciées et particulières. Cette approche leur permet aussi d'appréhender des jeux d'interactions multiples qui caractérisent tout paysage dès lors qu'il est habité, et leur déploient dans le temps. Elle leur permet de découvrir des synergies aussi bien que d'étudier des conflits.

Bien qu'il en porte de nombreux stigmates, le paysage comme espace habité semble avoir globalement résisté aux assauts d'une spécialisation fonctionnelle de l'espace, de même qu'aux idées d'une programmation par entités juxtaposées et figées. Le paysage continue ainsi à se carac-

اجتماعی چارچوب زندگی، همچنین منظر به مثابه یک دارایی عمومی نیازمند مراقبت پرداخته است. امروز، از طریق تحلیل و پروژه‌های محیط زیست روزمره شهروندان، به نوآوری در رویکردها رسیده است: فضای عمومی، مسکن، مکان کار، ... با افزایش جابجایی، توسعه ارتباطات و اطلاع‌رسانی، تنها بخشی از فضای زیست روزانه را تشکیل داده و به نظر ضروری می‌رسد به آنها، به دیده مجموعه‌ای از گونه‌های مختلف منظر بنگریم. فهم ویژگی تاریخ‌مند این منظر _ تبدیل‌های بلاتقطاع و رده‌بندی‌های فزاینده؛ برای پژوهش در اشکال مختلف توسعه شهری و قلمروی الزامی است. خوانش تاریخ‌نگارانه منظر، تاریخچه‌ای از باز یافت‌ها را نمایان کرده که به نوبه خود، کشف معنایی نو را برای آنچه هم‌اکنون موجود است، به هوش ما وامی‌گذارد.

پی‌نوشت

۱. ENSA مدرسه معماری لاویلت پاریس از زمان‌های طولانی‌ترین قطب آموزش و پژوهش منظر را در خود جای داده است و این قضیه برای برنارد لاسوس خیلی اهمیت داشت. گروه مسئول قطب پژوهشی معماری، مکان، منظر به مدیریت یان نوسوم (Yann Nussaume)، آرنولد لافاز (Arnaud Laffage) و فیلیپ نیس (Philippe Nys) میراث‌دار دوره "باغ، منظر، سرزمین" است که در ۱۹۴۴ توسط برنارد لاسوس پایه‌گذاری شده بود.

Teaching landscape at Architecture School: Moments of a Renewal

Bendicht Weber, Professor of theory and practice of architecture and urban design, Chairman of the Board of Directors of the ENSA Paris-la-Villette
bendicht.weber@orange.fr



Bendicht Weber, Professeur en théorie et pratique de la conception architecturale et urbaine Président du Conseil d'administration de l'ENSA de Paris-la Villette
bendicht.weber@orange.fr

L'enseignement du paysage en école d'architecture. Eléments d'un renouveau

La décision d'accueillir la conférence « Landscape & Imagination » s'est faite sans difficulté. La longue tradition de ce thème dans cette école, et l'existence d'une équipe d'enseignement et de recherche reconnue¹ a même pu faire croire que toute interrogation était de toute manière superflue. Or les échanges observés me semblent avoir révélé une prise de conscience de nouveaux enjeux d'accueillir, dans un établissement d'enseignement de l'architecture, le thème du paysage, la recherche et

The decision to host the "Landscape & Imagination" conference took place without difficulty. The long tradition of this subject in the school, and the existence of a team of teaching and research has even made it believable that any question was superfluous¹. However, the observed trade seems to have revealed an awareness of new challenges to accommodate in an educational institution of architecture, landscape theme, research and teaching. I attempt to restore some elements of the debate observed.

Unlike the situations of twenty years ago, the landscape seems widely accepted as the basis for any development project. There seems to be no doubt that any work on the space - architectural, urban, landscape, but also agriculture and engineering - just changes a landscape in which no element can be neglected and that most of the time, wearing footsteps of many previous interventions: a human story written in a territory. To designate such a historically constituted and existing context, the concept of landscape is convenient. But this notion also appears in danger to serve more of portmanteau word, or worse circumstances.

A number of contemporary architects put into practice a fascination with the aesthetics of plant for a bed hidden in greenery. These professionals

l'enseignement y relatifs. Je tente ici de restituer quelques éléments du débat observé.

A la différence d'une situation il y a vingt ans, le paysage semble largement admis comme fondement de tout projet d'aménagement. Il ne semble faire aucun doute que toute intervention sur l'espace - architecturale, urbanistique, paysagère, mais aussi agricole ou d'ingénierie - vient modifier un paysage dans lequel aucun élément ne peut être négligé et qui, la plupart du temps, porte des traces de nombreuses interventions antérieures, une histoire humaine inscrite dans un territoire. Pour désigner un tel contexte préexistant et historiquement constitué, la notion de paysage s'avère commode. Mais cette notion s'avère également en danger de servir de plus en plus de mot valise, ou pire de prétexte.

Un certain nombre d'architectes contemporains mettent en pratique une fascination pour une esthétique du végétal, pour un bâti camouflé dans un écrin de verdure. Ces professionnels perçoivent souvent qu'à la marge à quel point leurs propositions peuvent être détournés. La place majeure qui est aujourd'hui faite à la question du paysage dans les projets d'urbanisme, cache mal des objectifs, plus ou moins avoués, d'« adoucir », d'« embellir » et de « verdier » (au sens du « green-washing ») des opéra-